

سندی مهم متعلق به ۴۵ سال پیش

نامهء دستجمعی خطاب به تحریریهء نیویورک تایمز

اعتراض آلبرت آینشتاین، هانا آرنه و عده ای دیگر به سفر مناخیم بگین به آمریکا و افشای شیوه های تروریستی او

نیویورک تایمز، مورخ ۴ دسامبر ۱۹۴۸

یکی از مهم ترین پدیده های سیاسی نگران کنندهء زمان ما ظهور «حزب آزادی» در کشور تازه تأسیس اسرائیل است. این حزب در اشکال سازمانی، روش ها، فلسفهء سیاسی و مطالبات اجتماعی اش شباهت نزدیکی با احزاب نازی و فاشیست دارد. این حزب ادامهء «ایرگون» سابق است که يك سازمان تروریستی، دست راستی و شونیست در فلسطین بود.

بازدید مناخیم بگین، رهبر این حزب از ایالات متحدهء آمریکا آشکارا بدین منظور حساب شده صورت می گیرد تا این تصور را ایجاد کند که گویا این حزب در انتخابات آیندهء اسرائیل مورد حمایت آمریکا ست. هدف دیگر، تحکیم مناسبات سیاسی با عناصر محافظه کار صهیونیست در ایالات متحده است. چندین آمریکایی که شهرت ملی دارند نامشان را در گرو استقبال از بگین قرار داده اند. دور از ذهن است اگر تصور کنیم کسانی که با فاشیسم در سطح جهانی مخالفت می کنند، در صورت اطلاع درست از سوابق و چشم اندازهای سیاسی آقای بگین، بازهم از او و جنبشی که وی آن را نمایندگی می کند حمایت نمایند.

پیش از آن که از طریق کمک های مالی، و تظاهرات عمومی به نفع بگین و ایجاد این تصور در فلسطین که گویا بخش بزرگی از مردم آمریکا از عناصر فاشیستی در اسرائیل حمایت می کنند، خسارتی جبران ناپذیر رخ دهد، مردم آمریکا باید از سوابق و اهداف بگین و جنبشی که بدان وابسته است مطلع گردند.

بر اساس ادعاهای رسمی حزب بگین نمی توان به خصلت واقعی آن پی برد. امروزه آن ها از آزادی، دموکراسی و ضدیت با امپریالیسم سخن می گویند، در حالی که تا همین اواخر اندیشه های يك حزب فاشیستی را تبلیغ و ترویج می کردند. در عمل است که يك حزب تروریستی ماهیت اصلی خود را نشان می دهد. از بررسی اعمال گذشته شان است که می توانیم داوری کنیم در آینده می باید منتظر چه اعمالی از آن ها باشیم.

حمله به يك دهکدهء عربی

یکی از اقدامات تکان دهندهء آن ها حمله به دهکدهء عربی دیر یاسین است. این دهکده که در حاشیهء جادهء اصلی قرار دارد و از هر طرف محاط به زمین های متعلق به یهودیان است در جنگ شرکت نکرد و حتی با گروه هایی از اعراب که می خواستند دهکده را به عنوان پایگاه مورد استفاده قرار دهند درگیر شد.

در نهم آوریل (بنا به نوشتهء نیویورک تایمز) گروه های تروریستی [صهیونیستی] به این دهکدهء مسالمت جو حمله کردند. انگیزهء این حمله نظامی نبود. تروریست ها اغلب سکنهء ۲۴۰ نفری این دهکده را، از مرد و زن و کودک، به قتل رساندند و تنها تنی چند را زنده باقی گذاشتند، آنهم بدین منظور که آنان را به عنوان اسیران جنگی در خیابان های بیت المقدس بگردانند. اکثریت جامعهء یهودی از این اعمال به وحشت افتاد و آژانس یهود يك تلگرام عذر خواهی به ملك عبدالله پادشاه اردن فرستاد. اما تروریست ها به جای اینکه از این اعمال خویش شرمگین باشند به ارتکاب این قتل عام افتخار کرده، وسیعاً به نفع آن تبلیغ نمودند و از خبرنگاران خارجی دعوت کردند تا اجساد روی هم انباشته شده و بلوایی را که در دیر یاسین به راه افتاده بود از نزدیک مشاهده کنند.

واقعہء دیر یاسین نمونه ای ست از ماهیت و اعمال «حزب آزادی». آنان در بین یهودیان آمیزه ای از ناسیونالیسم افراطی، توهمات مذهبی و برتری نژادی را تبلیغ و ترویج کرده اند و همچون دیگر احزاب فاشیست، ابزاری بوده اند برای درهم شکستن اعتصابات و علاوه بر این، خود برای نابودی اتحادیه های آزاد پیشقدم شده اند. به جای اتحادیه های آزاد، آن ها خواهان اتحادیه های صنفی بر اساس مدل فاشیست های ایتالیا هستند.

طی سال‌های اخیر که گهگاه خشونت‌هایی علیه بریتانیا انجام می‌گرفته گروه‌های ایرگون (Irgun) و اشترن (Stern) جوئی از ترور و ارباب بر جامعه یهودیان فلسطین حاکم کردند. معلمینی را که علیه آنان سخنی می‌گفتند کتک می‌زدند و پدران و مادرانی را که مخالف پیوستن فرزندانشان به آن‌ها بودند هدف گلوله قرار می‌دادند. تروریست‌ها با شیوه‌های گانگستری، با شکستن پنجره‌ها و با راهزنی‌های گسترده در جامعه هول و هراس ایجاد کرده و باج‌های کلان ستاندند. وابستگان به «حزب آزادی» هیچ نقشی در دستاوردهای سازنده در فلسطین ایفا نکردند. آن‌ها مدعی بازپس‌گیری هیچ زمینی نشدند، هیچ منطقه مسکونی (کولونی) بنا نکردند (۱)، اقدامات دفاعی یهودی را ناچیز شمردند و اقداماتشان در باره مهاجرت که با هیاهوی زیاد همراه بود اهمیتی نداشت و عمدتاً وقف گردآوردن «هموطنان فاشیست» (Faschist compatriots) بود.

ناهمخوانی‌های آشکار

ناهمخوانی‌های موجود بین ادعای گستاخانه کتونی بگین و حزب اش با کارنامه اعمال گذشته‌شان در فلسطین، بر آنان مهر و نشان یک حزب غیرمتعارف سیاسی می‌زند؛ نشان یک حزب فاشیستی که ابزارش ترور (به یک سان علیه یهودیان، ارباب و انگلیسی‌ها) و جعل و تحریف است و هدفش ایجاد یک «دولت رهبر».

در پرتو ملاحظات فوق، ضروری است که حقیقت در باره آقای بگین و جنبشی که وی رهبر آن است به اطلاع همگان در این کشور برسد. اینکه بالاترین مقامات صهیونیستی آمریکا حاضر نشده‌اند علیه تلاش‌های بگین دست به کارزاری بزنند و حتی از افشای خطرات حمایت از بگین در میان پایه‌های خویش خودداری کرده‌اند، خود یک فاجعه است.

به این دلیل، ما امضاءکنندگان زیر با توسل به این بیانیه عمومی، چند واقعیت مهم و چشمگیر را در باره بگین و حزب اش در معرض افکار عمومی قرار می‌دهیم و مصرأً خواستار آن ایم که هیچ‌کس از این جدیدترین ابزار فاشیسم حمایت نکند.

[امضاها:]

ایزیدور آبراموویتس، هانا آرنه، آبراهام بریک، رابی جیسورون، کاردوزو، آلبرت آینشتاین، هرمان آیسین، حییم فین مان، م. گالن، ه. ه. هاریس، زلیگ س. هاریس، سیدنی هوک، فرد کاروش، بروریا کافمان، ایرما، ل. لیندهایم، ناخمان مایسل، سیمور ملمان، مایر د. مندلسون، هاری م. اسلینسکی، ساموئل پیتلیک، فریتس رهلیخ، لوئیس، پ. روکر، روٹ ساگیس، ایزاک سانکوسکی، ی. ژ. شوئنبرگ، شاموئل شومان، م. سینگر، ایرما وولف، اشتفان وولف.

نیویورک ۲ دسامبر ۱۹۴۸

منبع: Marxism mailing list: <http://www.marxmail.org>

ترجمه محسن جهانی

یادداشت ویراستار:

۱- در آن سال‌ها مهاجرت یهودیان به فلسطین و تشکیل موطن و دولت یهودی در آنجا (که گفته می‌شد «زمینی ست غیر مسکونی و بدون مردم و باید به مردمی بدون زمین یعنی یهودیان داده شود») چنان در غرب از مقبولیت عامه برخوردار بود و نیروهای مترقی و مخالفان سرمایه‌داری چنان درگیر رهاندن خود از فاشیسم و جنایات آن بودند که کمتر کسی متوجه بود که تشکیل دولت یهود در فلسطین توسط جنبش صهیونیستی، خود اقدامی استعماری است و به معنای زیرپا گذاردن حقوق ملتی دیگر. اینجا است که می‌بینیم، حتی در همین نامه اعتراض آمیز، غصب اراضی مردم فلسطین و ساختن مستعمرات مهاجر نشین به عنوان امری مشروع فرض می‌شود.

پنجاه سال باید طول می‌کشید و رنج‌ها و مبارزاتی سخت و همه‌جانبه و چندین انتفاضه باید رخ می‌داد تا برخی از وجدان‌های بیدار، به ویژه از نیروهای یهودی تبار، متوجه شوند که به دنبال جنایات ضدبشری فاشیسم و به بهانه آن، فاشیسمی دیگر در کار است و جنایات ضدبشری دیگری این بار در فلسطین به وقوع می‌پیوندد و «حکایت همچنان باقی»...